

لک اول تیر ماه ۱۳۸۱

دوستان بسیار عزیز و ارجمند

چون یازدهمین سال استقلال پاکستان و دهمین سالروز انجمن تاجیکان و فارسی زبانان جهان  
پسوند را با امید و احترام ساد با شما می نویسم و از این منبر می خواهم این جشن فرخنده فرخنده را خواننده ای صمیمانه  
سیاهنگر از من می کنم

من از تاجیکان یاد کرده و یاد ماری بسیار دلتن فراموش نشدنی دارم. نخستین بار  
به عتد استاد صدرا الدین عثمانی آنجا آمدم و حضور هر یان دوست عزیز و ابراهیم لایون  
و همیز آتورسون زاده را در یافتیم و پسین سال که باستان و دانشه الی با یک بار و  
همکار بوده ام و همسفر شید با دیگر جوانی زنده خود را در آری می گوید انگیز و رز اب در  
دلم می خواهم شید با دیگر جوانی زنده خود را در آری می گوید انگیز و رز اب در  
کوه پاران لاله خیز حصار و در خانه کسی گرم و پربان دو شنبه بیاد بیارم. اما شایسته  
به انگیزه می بیماری همسفر خلا نمی توانم

اجازه بفرستید من می (لوحه فزوده) شعرم را با صدایم به جای خودم بفرستم  
و بهای سرزنش باستانی تاجیکستان و مردم من خند فرستگ برود تاجیک  
پروزی کسی بسیار لرز و کنم

با درود گرم و سیدک فر اوان

اصغر  
زاده

لندن ۲۲ ژوئن ۲۰۰۲

آقای نیکوستانی محترم

مادر و دگرگرم و امید این که خبر بسیار خوشی و در دستهای ما جبهه گمان درسته باشد  
 نامه ترسگر اینم برادر عدوت من به این جشن کویک سی دی شو آورده ام را  
 به عنوان هدیه می فرستم و خواهش می کنم یا خودتان نامه را بخوانید یا آنرا  
 یا کسی دیه آتاتان هنیاز اف یا سون قناعت بسیارید  
 از لطف شما بسیارم و درم بر ارم که در بازار گشت شهر ایدیم و  
 از سفرتان و از تاجیکان خبر که ما خوش گنوم  
 شاد و پر دزباید

۹۱۵  
